

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۲۸/۹۰۷۹ رده بندی کنگره: ح ۲۲/۷۴۲۴

مفهوم شناسی برکت و بررسی نقش تقوا در آن از منظر

قرآن و روایات

رضا شاه منصور

دانشجوی دکتری تربیت مدرس اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم

چکیده

در یک جامعه میزان موفقیت ها و بهره برداری افراد از فرصت ها و توانایی هایشان یکسان نیست. عده ای با عمری کوتاه تر نسبت به دیگران، به موفقیت های مادی و معنوی بیشتری می رسند در حالی که دیگران چنین توفیقاتی ندارند؛ یکی از علل این تفاوت، وجود برکت در زندگی افراد موفق و عدم آن در زندگی دیگران است؛ هدف این مقاله بررسی توصیفی تحلیلی مفهوم برکت از منظر قرآن و روایات و تاثیر تقوا در تحقق آن در زندگی است؛ روش تحقیق توصیفی تحلیلی قرآن و روایات است؛ یافته های تحقیق بیان مفهوم برکت از منظر قرآن و تاثیر تقوا در ایجاد برکت در زندگی و تاثیر بی تقوایی در دفع برکت از زندگی است؛ نتیجه تحقیق: با رعایت تقوای الهی انسان همسو با ذرات عالم شده و در پی آن همه جنود و ذرات عالم با مشیت الهی به یاری او می آیند تا او را در بهره بردن بیشتر در عرصه های مختلف زندگی یاری رسانند.

واژگان کلیدی: برکت، اسباب غیر مادی، تقوا، مشیت الهی ، موفقیت

مقدمه

انسان موجودی کمال طلب و همواره در پی رسیدن به کمالات است؛ هرچند در میان انسان ها مصادیق کمال متفاوت است و گروهی کمال را در امری و گروه دیگر کمال را در امر دیگری می دانند اما در اصل رسیدن به کمال کسی اختلافی ندارد؛ لذا بشر در طول عمر خود سختی ها و ناگواریهای زیادی را برای رسیدن به کمال تحمل کرده و حتی در مقابل تحمل این سختی ها مورد تحسین دیگران نیز قرار می گیرد. اما آن چه مشاهده می شود این است که موفقیت افراد در جامعه به صورت یکسان نیست؛ حتی افرادی که در یک شرایط محیطی یکسان هستند در رسیدن به موفقیت ها یکسان نیستند. به طور مثال در حوزه یا دانشگاه با اینکه اساتید، شرایط و امکانات آموزشی برای همه افراد مساوی است اما عده ای به درجات علمی بالایی می رسند در حالی که دیگران آن توفیقات و موفقیت ها را ندارند؛ همچنین در مورد عمر انسان ها با نگاه به گذشته در می یابیم عده ای با وجود عمری نسبتا کوتاه تر از دیگران، به موفقیت هایی دست یافته اند که دیگران با عمرهای بسیار طولانی تر و امکانات بیشتر هرگز به گوشه ای از آن موفقیت ها دست نیافته اند؛ همچنین در مورد مال، فرزندان و دیگر امور جاری در طول زندگی انسان ها، این حقیقت مشهود است که عده ای در عرصه های مختلف زندگی بهره های بیشتری نسبت به دیگران می برند؛ نتیجه بدست آمده از این واقعیت این است که اسباب رسیدن به موفقیت ها در زندگی تنها مادی نیستند بلکه در عالم اسباب معنوی و غیر محسوس وجود دارد که برای رسیدن به کمالات و اهداف خود باید آن ها را بشناسیم و از آن ها بهره ببریم والا هرگز به آن اهداف نخواهیم رسید.

در ادبیات دینی از این اسباب معنوی و نامحسوس تعبیر به برکت شده است؛ واژه برکت یا مشتقات آن در آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام بسیار استفاده شده است؛ در تورات و انجیل نیز در مواردی که عطیه های الهی را به انبیا و همچنین عطیه کهنه را به دیگران نقل می کند این لغت بسیار به کار رفته، بلکه در تورات برکت را مانند سنتی جاری گرفته است.^۱

با رجوع به روایات در می یابیم برکت جایگاه خاصی در امور مختلف زندگی انسان دارد به گونه ای که شاید بتوان گفت اگر برکت در زندگی فردی نباشد هرگز او به درجات عالیه نمی رسد و بهره خاصی از زندگی معنوی و حتی مادی خود نمی برد؛ به همین دلیل یکی از دعا هایی که معصومین علیهم السلام در جای جای زندگی خود داشتند طلب برکت از خداوند تعالی بوده است؛ بطور مثال در احادیث وارد شده

^۱ طباطبایی. محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵. ش. ج. ۷ ص ۳۹۱

است که هنگام ورود عروس به خانه دعا کنید خداوند فرزند مبارک بواسطه او روزی شما کند^۱ یا در هنگام خواندن نماز استسقاء از خداوند تعالی باران با برکت بخواهید^۲ یا در هنگام طلب رزق، رزق بابرکت از خداوند تعالی بخواهیم^۳ یا اینکه سفارش شده هنگام وارد شدن به شهر یا دیاری از خداوند بخواهیم نزول و ورود ما را مبارک قرار دهد^۴ همچنین موارد دیگری که نشان دهنده اهمیت وجود برکت در همه امور زندگی است. حال این سوالات پیش می آید که برای رسیدن به کمالات و موفقیت‌ها صرف اسباب حسی و ظاهری کفایت می‌کند یا اینکه اسباب غیر مادی دیگری نیز وجود دارد؟ آیا برکت یکی از اسباب غیرمادی موفقیت و کمال است؟ معنای واقعی برکت چیست؟ آیا برکت زیادی مادی است یا شامل غیر از آن نیز می‌شود؟ چگونه می‌شود زندگی انسان محفوف به برکت باشد یا اینکه چه عواملی سبب از بین رفتن برکت در زندگی می‌شود؟ چگونه برخی افراد با وجود شرایط ظاهری مساوی با دیگر افراد به موفقیت‌های چشم‌گیری دست می‌یابند؟

بخش اول: برکت در لغت

اصل واژه برکۀ از «بَرَکَ» به فتح راء و کاف است به معنی سینه شتر^۵ زیرا وقتی شتر را می‌خوابانند سینه او روی زمین قرار گرفته و ثابت می‌شود.

اما درباره خود واژه برکت از میان معانی ذکر شده برای آن می‌توان به چهار مورد اشاره کرد:

- ۱- ثبوت و دوام شی، افرادی مانند: ابن فارس^۶، ابن اثیر^۷، حسن مصطفوی^۸ این معنا را برگزیده اند.
- ۲- رشد و نمو، افرادی مانند: فیومی^۱، راغب اصفهانی^۲، صاحب بن عباد^۳، ازدی^۴، ابن منظور^۵ و تعداد تعداد زیادی از علماء علم لغت این معنا را برگزیده اند.

^۱ منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق. ص ۲۳۵

^۲ منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق. ص ۱۵۳

^۳ حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحديث) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق. ص ۳

^۴ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق. ص ۱۲۲

^۵ فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق. ج ۲ ص ۴۵

^۶ ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق. ج ۱ ص ۲۲۷

^۷ ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الاثر - قم، چاپ: چهارم، ۱۳۶۷ ش. ج ۱ ص ۱۲۰

^۸ مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش. ج ۱ ص ۲۵۷

۳- سعادت ، برخی دیگر مانند : بستانی^۶ نیز این معنا را برگزیده اند.

با تتبع در منابع لغت می توان معانی دیگری نیز مانند علو و برتری و... برای واژه برکت یافت؛^۷

البته به نظر می رسد قول کسانی که واژه برکت را به معنی ثبات خیرالهی یا نمو و زیادی می دانند مناسب تر باشد؛ از ثبات و نمو ، استمرار و دوام هم استفاده می شود، بنابر این می توان گفت برکت خیر فراوانی است که همراه با رشد ، نمو و فراوانی است. به نظر می رسد این معنا با معنای عرف از برکت هم متناسب تر باشد؛ زیرا در عرف برکت به معنای خیری دانسته شده است که مستمر باشد و از آن استفاده فراوان شود؛ لذا عمری که صاحب آن از آن استفاده و بهره زیادی برده باشد را عمر بابرکت ، و عمری را که از آن استفاده کمی شده باشد، عمر بی برکت می نامند هرچند از لحاظ زمان طولانی باشد؛ همچنین مالی که بهره زیادی از آن برده شود را مال بابرکت می نامند.^۸ البته باید این نکته را در نظر داشت که معنای برکت در جامعه مانند امور نسبی به اختلاف اغراض مختلف می شود؛ زیرا خیریت هر چیزی به حسب آن غرضی است که متعلق به آن می شود، برای مثال درباره طعامی که انسان می خورد بعضی غرضشان از خوردن آن سیر شدن است؛ بعضی غرضشان از خوردن آن تنها حفظ سلامت است؛ زیرا غذای مورد نظرشان را در میان همه غذاها نسبت به مزاج خود سالمتر تشخیص داده اند؛ مقصود بعضی دیگر از خوردن غذا، استشفاء به آن و بهبودی کسالتی است که دارند، هدف بعضی دیگر از غذا خوردن، تحصیل نورانی است در باطن که بدان وسیله بهتر بتوانند خدای را عبادت کنند، پس وقتی به عمل واحدی چند غرض تعلق می گیرد برکت در آن نیز معنایش مختلف می گردد.^۹

^۱ فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق. ج ۲ ص ۴۵
^۲ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بیروت - دمشق، چاپ: اول، ۱۴۱۲ق. ج ۵ ص ۳۵۸
^۳ صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق. ج ۶ ص ۲۶۰
^۴ از دی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۷ش. ج ۱ ص ۱۱۴
^۵ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ق. ج ۶ ص ۱۰۰
^۶ بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ش. ص ۱۸۳
^۷ مجله تخصصی الهیات و حقوق. مقاله برکت در قرآن
^۸ مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره دوم - بهار و تابستان ۱۳۸۸ مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکتاز دیدگاه قرآن کریم
^۹ طباطبایی. محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵. ش. ج ۷ ص ۳۹۰- ۳۹۱

بخش دوم: برکت در قرآن و روایات

واژه برکت به صورت مستقل در قرآن نیامده اما مشتقات اصل آن یعنی «برک» در قرآن حدود ۳۲ مرتبه آمده است؛ به این صورت که واژه «برکات» که جمع برکت است سه مرتبه^۱، واژه «مبارک» ۱۲ مرتبه^۲ مرتبه^۳، واژه «بارکنا» ۶ مرتبه^۴، واژه «تبارک» نه مرتبه^۵، واژه «بارک» یک مرتبه^۶، همچنین واژه «واژه «بورک»

یک مرتبه^۷ وارد شده است، ضمن اینکه آیاتی که با شرایطی وعده فراوانی نعمت راطرح کرده اند^۸ به موضوع برکت مرتبط است.

درباره معنای برکت در قرآن باید گفت معنای برکت در لسان قرآن داری خصوصیات مختلفی است؛ علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان به برخی از این خصوصیات اشاره می‌کنند؛ یکی از این خصوصیات، ثابت بودن خیر در چیزی و از جانب خداوند بودن آن است لذا اگر فرموده: «لَفَتْحْنَا عَلَيْهِمُ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف ۹۶) برای این بوده که خیرات در زمین و آسمان قرار گرفته، همچنانکه آب در برکه جای می‌گیرد و ثبوت می‌یابد؛ خصوصیت بعدی معنای برکت نامحسوس بودن آن است به این معنا که برکت یعنی ثبوت خیر کثیری از جانب خداوند تعالی در شیء به صورت نامحسوس زیرا که خیرات الهی از مقام ربوبیتش بطور نامحسوس صادر می‌شوند، و مقدار و عدد آن هم قابل شمردن نیست، لذا به هر چیزی که دارای زیاده نامحسوسی است می‌گویند: «این چیز مبارک و دارای برکت است»؛ در روایتی هم که می‌گوید «هیچ مالی از صدقه دادن کم نمی‌شود» مقصودش همین نقصان غیر محسوس است نه کاهش محسوس و به خاطر همین اشتباه است که بعضی از زیانکاران در رد این حدیث شریف گفته اند: ما ترازو می‌گذاریم و از فلان مال، مقداری صدقه داده سپس آنرا بار دیگر می‌سنجیم و می‌بینیم که به مقدار صدقه کم شده است علت اصلی این اشتباه این است که معنی برکت را نفهمیده اند؛ خصوصیت بعدی این است که برکت، خیری است که معنوی است یا مادی منتهی به معنوی می‌باشد؛ به این بیان که از آنجا که غرض از دین تنها و تنها سعادت معنوی و

^۱ (اعراف ۹۶ - هود ۴۸ و ۷۳).

^۲ برای نمونه رک آل عمران ۹۶ و انعام ۹۲.

^۳ برای نمونه رک اعراف ۱۳۷ و صافات ۱۱۳.

^۴ برای نمونه رک اعراف ۵۴ و مومنون ۱۴.

^۵ فصلت ۱۰.

^۶ نمل ۸.

^۷ برای نمونه رک روم ۲۹ و سبا ۳۷ و بقره ۲۶۱.

^۸ مقاله برکت و بی برکتی در زندگی - مبلغان سوژه های سخنرانی

یا حسی منتهی به معنوی است، لذا مقصود از برکت در لسان دین آن چیزی است که در آن خبر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی باشد؛ مانند آن دعایی که ملائکه در حق ابراهیم (علیه السلام) کرده و گفتند: «رَحِمْتُ اللَّهَ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود ۷۳) که مراد از آن، برکت معنوی مانند دین و قرب خدا و سایر خیرات گوناگون معنوی، و نیز برکت مادی مانند مال و کثرت و بقای نسل و دودمان و سایر خیرات مادی است که برگشت آن به معنویات است.^۱ بنابراین از مجموع خصوصیات گفته شده می‌توان به این معنا رسید که معنی برکت در ادبیات دینی خیر و زیادی است که معنوی یا منتهی به معنوی است و به صورت نا محسوس از جانب خداوند تعالی در یک چیز بصورت ثابت قرار داده شده است.

بخش سوم: مشتقات برکت

در اینجا به برخی از مشتقات واژه برکت که در قرآن آمده است پرداخته می‌شود.

اگر کلمه برکت به همراه چیزی به کار رود، معنای ازدیاد و کثرت همراه با فایده زیاد، فرخندگی و خجستگی را می‌رساند؛ مثلاً «طعام متبرک» بدین معنی است که نوعی خیر و فایده معنوی در طعام وجود دارد؛ مانند این که طعامی شفا بخش است و عده زیادی از آن سیر می‌شوند؛ نسل متبرک به نسلی می‌گویند که سعادتمند، فرخنده، فراوان و شکوهمند باشد.^۲

واژه «برکات»: برکات جمع برکت است و سه بار در قرآن کریم آمده است؛ خداوند تعالی در یکی از این موارد می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم. (اعراف ۹۶) بنابر نظر علامه طباطبایی «برکات» به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان با نبود آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد؛ در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» استعاره به کنایه به کار رفته، برای اینکه برکات را به مجرائی تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد؛ باران و برف نعمت‌های الهی هستند که از مجرای آسمان به بشر می‌رسند پس با برکت بودن این نعمت‌ها یعنی هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد؛ هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، و در نتیجه غلات و

^۱ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، نشر دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ ۲۱، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۳۹۰

^۲ مجله تخصصی الهیات و حقوق، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۲۵، مقاله برکت در قرآن

میوه ها فراوان می شود؛ البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می گردد؛ جمله «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا...» دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت ها و عموم جامعه است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، زیرا در صورت کفر و فسق جامعه، با ایمان و تقوای چند نفر، باز این کفر و فسق کار خود را می کند و برکات را از بین می برد.^۱ فیض کاشانی رحمه الله نیز در تفسیر صافی همین نظر را دارد و مقصود از برکات را نعمت هایی از قبیل نزول باران از آسمان و روپندن گیاهان از زمین می داند.^۲

واژه «مبارک» : این واژه دوازده مرتبه در قرآن آمده است؛ خداوند تعالی موارد مختلفی مانند: برخی از شیخصیت ها^۳، برخی از مکان ها^۴، برخی از زمان ها^۵، قرآن^۶، آب باران^۷، درخت زیتون^۸، کعبه^۹ و موارد دیگر^{۱۰} را موصوف کلمه مبارک قرار داده و آنان را مبارک می خواند؛ برای نمونه در مورد آیه شریفه «وَهَذَا كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ و این [قرآن] کتابی است پرفایده، که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است، و [نزولش] برای این است که مردم مکه و کسانی را که پیرامون آنند بیم دهی؛ و آنان که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند، و آنان همواره بر نمازشان محافظت می کنند^{۱۱} که اشاره به مبارک بودن قرآن کریم دارد نظر علامه طباطبایی این است که قرآن دارای برکت و خیر کثیر است؛ یعنی قرآن کریم مردم را به سوی استوارترین راه هدایت نموده و خداوند به وسیله آن کسانی را که در پی تحصیل رضای خداوند هستند به راههای سلامت رهبری می کند؛ مردم در امر دنیایشان از آن منتفع شده، اجتماعشان متشکل و قوایشان فشرده و آرایشان متحد می شود و در نتیجه صاحب زندگی طیب و پاکی می گردند.^{۱۲}

^۱ طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱، ۱۳۸۵. ش. ج. ۸/ص ۲۵۴.

^۲ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۱۵ ق. ج. ۲؛ ص ۲۲۱

^۳ ن ک به مریم ۳۱

^۴ قصص ۳۰

^۵ دخان ۳

^۶ انعام ۹۲ و ۱۵۵ و انبیاء ۵۰

^۷ ق ۹

^۸ نور ۳۵

^۹ آل عمران ۹۶

^{۱۰} نور ۶۱

^{۱۱} انعام ۹۲

^{۱۲} طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱، ۱۳۸۵. ش. ج. ۷/ص ۳۸۷

همچنین قمی^۱ و فیض کاشانی^۲ نیز مبارک بودن قرآن را در این آیه به معنی زیادی نفع و فایده دانسته اند.

همچنین در آیه شریفه «وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»؛ و هر جا که باشم بسیار بابرکت و سودمند قرار داده، و مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. (مریم ۳۱)

حضرت عیسی را مبارک خوانده شده است؛ بنابر نظر علامه طباطبایی پیرامون معنای مبارک بودن ایشان، حضرت عیسی مبارک است یعنی او برای مردم منافع بسیار دارد؛ علم نافع به مردم می آموزد، آن‌ها را به عمل صالح دعوت می کند؛ به ادبی پاکیزه تر تربیتشان می کند؛ کور و پیس را شفا داده؛ اقویا را اصلاح و ضعفا را تقویت و یاری می کند.^۳

مرحوم قمی^۴ و فیض کاشانی^۵ نیز مبارک را در این آیه به معنی کسی که بسیار به دیگران نفع می رساند رساند معنا کرده اند.

واژه «تبارک»: این واژه نه مرتبه در قرآن آمده است برای نمونه خداوند تعالی می فرماید: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أُنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»؛ آن گاه آن نطفه را علقه گردانیدیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی درآوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان هایی ساختیم و بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر دیدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و بابرکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است. (مومنون ۱۴) بنابر نظر علامه طباطبایی معنای «تبارک» از خدای تعالی، به معنای اختصاص او به خیر کثیری است که به بندگان خود افاضه می کند و چون که خلق در اینجا به معنای تقدیر است پس این خیر کثیر تماما در تقدیر او هست؛ و آن عبارت است از ایجاد موجودات و ترکیب اجزاء آن، به طوری که هم اجزایش با یکدیگر متناسب باشد و هم با موجودات دیگر سازگاری داشته باشد؛ خیر کثیر هم از همین جا بر می خیزد و منتشر می شود؛^۶ همچنین ایشان در جای دیگری فرمایند: «صیغه تبارک علاوه

^۱ قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش. ج ۴؛ ص ۳۹۲

^۲ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۱۵ ق. ج ۲؛ ص ۱۳۸

^۳ طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵ ش. ج ۱. ص ۶۱

^۴ قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش. ج ۲ ص ۵۰

^۵ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۱۵ ق. ج ۳ ص ۲۸۰

^۶ طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵ ش. ج ۱ ص ۲۷

بر افاده معنای ثبوت خیر از جانب خداوند تعالی معنای مبالغه در آن را نیز می‌رساند و این صیغه تقریباً می‌توان گفت اختصاص به خداوند دارد و از کلماتی است که جز در مواردی نادر بر غیر خدا اطلاق نمی‌شود»^۱.

همچنین فیض کاشانی نیز تبارک را به معنای کثرت و زیادی خیر از جانب خداوند تعالی دانسته است.^۲ در بعضی استعمالات دیگر در قرآن^۳ توسط برخی مفسرین به معنی بزرگی و برتری دانسته شده است^۴؛ البته جمع بین معانی ذکر شده روشن است زیرا آن وجودی که این چنین مصدر و منبع خیرات کثیره است و همه مخلوقات از خیرات او بهره‌مندند یقیناً بزرگ و متعالی و سزاوار تحمید و تمجید است. برای جلوگیری از اطاله متن به همه موارد مشتقات برکت در قرآن پرداخته نشده و به همین موارد از مشتقات اکتفاء شده است.

بخش چهارم: نقش اراده الهی در زندگی

متکلمین، عالم را عالم اسباب و مسببات معرفی می‌کنند به این معنی که هر امری در عالم در حدوث و بقاء نیاز به سبب و علتی دارد؛ البته آن‌ها اسباب و علل را منحصر در اسباب مادی نمی‌دانند بلکه قائل به وجود اسبابی غیر مادی در عالم نیز هستند همچنین برای اسباب و علل، سبب‌الاسباب و علل‌العلل، را بیان می‌کنند به این معنی که تمامی این سلسله علل به یک علت بر می‌گردد که آن علت نیازی به علت دیگری ندارد و معلول واقع نمی‌شود و آن ذات باری تعالی است.^۵

بنابراین بیان و با توجه به آیات قرآن کریم خداوند تعالی گاهی برای تحقق امری در عالم از اسباب مادی آن استفاده می‌کند و گاهی به غیر از امور و اسباب مادی، امری را در عالم محقق می‌کند. برای مثال خداوند تعالی می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَرْزُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ»؛ مرا خبر دهید آنچه را می‌کارید * آیا شما آن را می‌رویانیید، یا ما می‌رویانییم؟ * به

^۱ طباطبائی، محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵. ش. ج ۱۵. ص ۲۳۸

^۲ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۱۵ ق. ج ۴ ص ۴

^۳ مانند فرقان ۱۰

^۴ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش. ج ۵؛ ص ۱۰۷

و طباطبائی. المیزان. ج ۱۵ ذیل فرقان ۱۰ و ۶۱

^۵ محسن خرازی. بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقائد الامامیه. موسسه النشر الاسلامی. قم ۱۳۷۴ ش. چاپ ۲۲ ج ۱

ص ۲۸

یقین اگر بخواهیم، آن را ریز ریز کرده و خاشاک می‌کنیم که متأسف و شگفت زده می‌شوید؛^۱ به این ترتیب رویش گیاهان به خداوند تعالی نسبت داده شده اما به این صورت که خداوند تعالی نعمت رویش گیاهان را از طریق اسباب مادی به مخلوقات ارزانی داشته است اینگونه که بستر و لوازم مادی رویش گیاهان را برای مخلوقات فراهم کرده است؛ همچنین برخی از آیات قرآن کریم به اراده الهی بر امری بوسیله اسباب غیر مادی اشاره دارد مانند نسبت دادن افعال ملائکه به خداوند تعالی است؛^۲ همچنین آیات زیادی که می‌گویند خداوند هرکس را بخواهد هدایت می‌کند^۳، یا به هر کس که بخواهد حکمت می‌دهد^۴، یا هر کس را بخواهد تعلیم میدهد^۵ و نمونه‌های زیادی از این قبیل که از طرفی ایمان، هدایت، حکمت و علم از امور غیر مادی هستند اما تحقق آن‌ها برای افراد را نسبت به خداوند تعالی می‌دهد به این معنا که خداوند تعالی این موارد را بوسیله اسباب غیر مادی انجام می‌دهد.

البته متکلمین قدم را از این هم بالاتر گذاشته و در ذیل مباحث توحید، میحث توحید افعالی را بیان کرده و می‌فرمایند هیچ فعلی در عالم بدون اراده الهی ممکن نیست به این معنا که مخلوقات در کارهای خودشان بی‌نیاز از خداوند تعالی نیستند و تمامی تاثیراتی که در یکدیگر دارند به اذن خداوند است و هرگز تاثیر استقلالی در چیزی ندارند.^۶

حال با توجه به مطالب گفته شده نتیجه این می‌شود که بهره بردن کامل از امور مختلف زندگی و موفقیت در آن‌ها، چه بهره‌های مادی و چه بهره‌های معنوی فقط متوقف بر اسباب مادی نیستند بلکه اموری غیر مادی در عالم وجود دارند که باعث می‌شوند فردی مثلاً از عمر، مال، علم، فرزندان و سایر امور زندگی خود بهره بیشتری ببرد؛ لذا باید گفت برای رسیدن به اهداف، وجود اسباب مادی کافی نیست بلکه تحقق اسباب معنوی در کنار آن‌ها برای رسیدن به اهداف ضروری است؛ به این معنا که اگر فردی تمامی اسباب مادی رسیدن به اهداف خود را در کاری فراهم کند اما توجهی به اسباب غیر مادی نداشته باشد هرگز به هدف خود نمی‌رسد زیرا علت تامه رسیدن به خیرات در این امر متشکل از یک سری اسباب مادی و معنوی است؛ بنابراین با فراهم نشدن اسباب معنوی هرگز علت تامه و به تبع معلول آن یعنی موفقیت‌ها حاصل نمی‌شوند.

^۱ سوره واقعه ۶۳ و ۶۴ و ۶۵

^۲ زمر ۴۲ (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا ...)

^۳ بقره ۲۱۳ و ۲۷۲ (لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ...)

^۴ بقره ۲۶۹ (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ...)

^۵ بقره ۲۵۱ (...وَأَنَّا اللَّهُ الْمَلِكُ وَالْحَكِيمُ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ...)

^۶ محمد تقی. مصباح یزدی. آموزش عقائد. نشر بین الملل. قم. چاپ ۴۴. ۱۳۸۹ ش. ص ۱۳۷

بیان این مطالب ، روشنگر این واقعیت ها و جوابگوی بسیاری از پرسش هایی است که ممکن است برای افراد پیش بیاید از قبیل اینکه چرا به طور مثال دو نفر هم کلاسی و هم بحثی که از لحاظ شرایط مادی مانند استاد، کلاس و حوزه مساوی هستند حتی از لحاظ ضریب هوشی و قدرت فهم تفاوتی با هم ندارند اما یکی از آن ها در زندگی علمی و معنوی خود پیشرفت های بسیاری می کند و منشاء خیرات و برکات فراوانی برای اسلام، جامعه و مردم می شود، اما دیگری به گوشه ای از این موفقیت ها هم نمی رسد.

چگونه از میان همین طلاب و حوزه ها شخصیت های برجسته ای همچون علامه طباطبائی، آیت الله بهجت یا امام خمینی و بزرگان دیگر (رحمهم الله تعالی) تربیت می شوند و به درجات عالیه علمی و معنوی و برکات خاصه الهی می رسند؛ در حالی که فضاء و شرایط زندگی آن ها با دیگران مساوی بوده است؛ نکته قابل توجه و تأمل پیرامون همین امور و اسباب غیر مادی است که اگر نسبت به آن ها غفلت ورزیده شود دسترسی به اهداف و برکات و توفیقات هم ممکن نیست.

در لسان دین برای این اسباب غیر مادی از لفظ برکت استفاده شده است ؛ لذا هرچیزی که خداوند تعالی اراده کرده باشد از طرق غیر متعارف خیر و منافع زیادی در آن به صورت ثابت قرار دهد مبارک نامیده شد. برای مثال وقتی خداوند تعالی بخواهد در تحصیل علم شخصی برکت قرار دهد گاهی قدرت فهم و ادراکی به او می دهد باوجود اینکه استاد و کلاس و درس برای او دیگران یکسان است اما او بگونه ای درس ها را می فهمد و عمقی از علم برایش مکشوف می گردد که دیگران این ادراک را ندارند؛ برای مثال اگر شخصی برای اینکه موفق به کسب درجات عالی علمی یا معنوی شود به طور طبیعی و عادی هرگز امکان دسترسی به استاد برجسته ای را ندارد اما خداوند اراده می کند از طرق غیر طبیعی او را در سر راه استاد قرار می دهد و زمینه پیشرفت علمی را برای او حاصل می کند.

مثال دیگر در امور مادی این که، وقتی خداوند اراده کرده باشد در مال کسی برکت قرار دهد امور زندگیش را بگونه ای تقدیر می کند که این مال ولو مقدار زیادی ندارد اما صرف رفع نیازهای روزمره و عادی زندگی او شود لذا نافع بودن آن مال برای او محسوس است؛ اما اگر برکت از مالی برداشته شود ولو از لحاظ مقدار زیاد باشد اما با آمدن آن، خرج های غیر ضروری دیگر هم در زندگی او هویدا می شود؛ مثلاً خود یا خانواده اش دچار بیماری می شوند یا آسیبی به زندگی او وارد می شود که او مجبور می گردد این مال را صرف رفع این مشکلات پیش آمده کرده و آن مال در رفع نیازهای طبیعی و روزمره زندگی او تاثیری ندارد؛ لذا مال می آید و می رود ولی نیاز ها هنوز باقی هستند و نفع خاصی از آن مال برده نمی شود. با توجه به اینکه برکت یا بی برکتی در تمامی امور زندگی انسان اعم از مادی و معنوی می

تواند جاری باشد اهمیت رسیدن به جواب این پرسش بیش از پیش مشخص می شود که چه عواملی سبب جلب برکت در زندگی و چه عواملی موجب از بین رفتن برکت در زندگی می شوند؟

بخش پنجم: عوامل برکت یا بی برکتی در زندگی

در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام عوامل زیادی برای ایجاد برکت یا از بین رفتن برکت در زندگی ذکر شده است؛ برای مثال برخی از اسباب ایجاد برکت در زندگی اینگونه معرفی شده اند: صدقه دادن «إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدِّينَ وَتَخْلِفُ بِالْبِرَّةِ»^۱، تلاوت قرآن «الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۲ عدالت ورزیدن «ثُمَّ قَالَ مَا أَوْسَعَ اللَّهُ الْعَدْلَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تَنْزَلَ السَّمَاءُ رِزْقُهَا وَ تُخْرَجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى»^۳، رفق و مدارا «إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبِرَّةَ، وَ مَنْ يُحَرِّمِ الرَّفْقَ يُحَرِّمِ الْخَيْرَ»^۴ و موارد بسیار دیگری که طرح آن ها در این مجال نمی گنجد.

بخش ششم: رابطه تقوا و برکت

یکی از مهم ترین عوامل ایجاد برکت در زندگی تقوا و در مقابل یک از مهمترین عوامل از بین رفتن برکت در زندگی را می توان بی تقوایی دانست؛ آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام نیز تاکید بسیاری در تاثیر تقوا در برکت دارند؛ بطور کلی می توان این آیات و روایات را به دو دسته کلی تقسیم کرد، دسته ای از آن ها تقوا به معنای کلی آن را بیان می کنند و دسته ای دیگر به تقوا در بعضی ابعاد خاص آن اشاره دارند؛ اما دسته اول مانند قول خداوند تعالی «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند [به عذابی سخت] گرفتیم»؛^۵ در این آیه تقوا به عنوان کلی آن سبب گشوده شدن ابواب برکات بیان می شود و روایاتی مانند: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا أُطِغَتْ رَضِيَّتُ وَ

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۴؛ ص ۹
^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۲؛ ص ۴۹۹.
^۳ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۳؛ ص ۶۸۵.
^۴ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث) - قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹. ج ۳؛ ص ۳۰۹.
^۵ انعام ۹۶

إِذَا رَضِيتُ بَارَكْتُ وَ لَيْسَ لِبَرَكَّتِي نِهَابَةٌ^۱ نیز اشاره به تاثیر تقوا به عنوان کلی آن در ایجاد برکات در زندگی دارد.

دسته دوم اشاره به ابعاد خاصی از تقوا دارند؛ برای نمونه بعضی از روایات، اشاره به تقوای لسان دارند مانند «یا معشر التجار إياكم و اليمين الفاجرة فانها تنفق السلعة و تحقق البركة»^۲ امام علیه السلام از خوردن قسم دروغ نهی کرده و تاثیر آن در دفع برکت را بیان می فرماید؛ موارد دیگری نیز در روایات وجود دارد مانند: نهی از فحش دادن «مَنْ فَحَشَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رَزَقِهِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ أَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ»^۳؛ تعدادی دیگر از روایات اشاره به تاثیر تقوا در شهوات، در برکت دارند مانند: «إِيَّاكَ وَ الزَّانَا فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَهَ وَ يُهْلِكُ الدِّينَ»^۴ همچنین تعدادی دیگر از روایت اشاره به تقوا در معاملات و امور مالی و آثار آن دارند مانند: «إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا»^۵ و در مورد اهمیت دقت در معاملات و برای جلوگیری از کم فروشی چنین آمده «كَيْلُوا طَعَامَكُمْ فَإِنَّ الْبَرَكَهَ فِي الطَّعَامِ الْمَكِيلِ»^۶ و در اهمیت صداقت و عدم خیانت در شراکت های مالی آمده «إِذَا التَّاجِرَانِ صَدَقَا، بُرِكَ لَهُمَا، فَإِذَا كَذَبَا وَ خَانَا، لَمْ يُبَارَكْ لَهُمَا»^۷ در روایات معصومین علیهم السلام به ابعاد دیگری از تقوا و تاثیر آن ها در ایجاد یا دفع برکت نیز اشاره شده است مانند: اسراف کردن «إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَهَ»^۸، چپلوسی و دنیا طلبی «مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَ لِمَنْ يَخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاةٍ أَحْمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَقَتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاةٍ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ جِلَّ وَ عَزَّ اسْمُهُ الْبَرَكَهَ مِنْهُ»^۹، قضاوت و فتوای به باطل «بِمَا أَفْتَى بِهِ أَبُو حَنِيفَةَ فَقَالَ فِي مِثْلِ هَذَا الْقَضَاءِ وَ شَبِهِهِ تَخْبِسُ السَّمَاءُ مَاءَهَا وَ تَمْنَعُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهُ»^{۱۰}.

مطلب مهمی که به عنوان مقدمه برای تاثیر تقوا باید مورد توجه واقع شود این است که نظام هستی یک نظام منسجم و دارای ادراک است؛ تمامی ذرات عالم حتی نباتات و جامدات ادراکاتی مخصوص خود را دارند؛ روایات کثیری اشاره به این مطلب دارند مانند روایات فضیلت کسب علم «إِنَّهُ يَسْتَفِيرُ لِطَلَابِ الْعِلْمِ

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۲؛ ص ۲۷۵
^۲ ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات (ط - الحديث) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۵ ق. ج ۱؛ ص ۱۰۵
^۳ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۲؛ ص ۳۲۶
^۴ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵؛ ص ۵۴۲
^۵ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۲؛ ص ۳۷۴
^۶ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵؛ ص ۱۶۷
^۷ کلینی، محمد بن یعقوب، کافي (ط - دار الحديث) - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق. ج ۱۰؛ ص ۸۵
^۸ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۴؛ ص ۵۵۰
^۹ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵؛ ص ۱۰۵ و ۱۰۶
^{۱۰} کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵؛ ص ۲۹۱

مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخُوتِ فِي الْبَحْرِ^۱ و روایات فضیلت مومن « إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ بَكَتٌ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بَقَاعُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَيْهَا^۲ » و روایات کثیری که دال بر دارای ادراک بودن اجزای عالم هستند؛ از طرف دیگر نظام حاکم بر عالم بر اساس بندگی بنا گذاشته شده است؛ خداوند تعالی در این باره می فرماید: « أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ^۳ » (آل عمران ۸۳) همچنین در آیه ای دیگر می فرماید: « وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ^۴ » (رعد ۱۵) و آیاتی که اشاره به تسبیح ذرات عالم دارند مانند « سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^۵ » (حدید آیه ۱) و موارد بسیار دیگری که اشاره به این مسئله دارند؛ بنابراین وقتی بنیان و ساختار عالم بر اساس بندگی و عبودیت بنا گذاشته شده است هر فعلی که خلاف بندگی باشد و بی تقوایی محسوب شود حرکت در خلاف جریان حاکم بر نظام عالم است و به معنایی لگد پراکنی به این ساختار است؛ البته روشن است که این لگد پراکنی بدون عکس العمل نیست و طبیعتاً نظام و تکوین عالم نسبت به فرد بی تقوا و معصیت کار عکس العمل نشان می دهد؛ در آیات قرآن کریم اشاره ای زیبا به این مطلب شده است که تمام ذرات عالم جنود و سربازان خداوند تعالی هستند « وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَزِيرًا حَكِيمًا^۶ » (فتح ۷) و خصوصیت سرباز هم تحت فرمان بودن نسبت به مقام ارشد است؛ بنابر این مقدمات، نتیجه بدست آمده واضح تر می شود و معنای آیات و روایاتی که بیانگر موثر بودن تقوا در ایجاد برکت در زندگی و بی تقوایی در دفع برکت از زندگی بودند، روشن تر می شود؛ به این معنا که فردی که مرتکب گناهان و افعال خلاف تقوا می شود؛ تمام ذرات عالم که جنود الهی هستند به مقابله با او بر می خیزند؛ علامه طباطبایی در این باره می فرماید: « کلمه جند به معنای جمع انبوهی از مردم است که غرضی واحد، آنان را دور هم جمع کرده باشد، و به همین جهت به لشکری که می خواهند یک مأموریت انجام دهند جندگفته می شود؛ از طرف دیگر سیاق آیه هفتم از سوره فتح شهادت می دهد که منظور از جنود آسمان ها و زمین، اسبابی است که در عالم دست در کارند؛ چه آنهایی که به چشم دیده می شوند، و چه آنهایی که دیده نمی شوند و غیر مادی هستند؛ پس این اسباب، واسطه هایی هستند بین خدای تعالی و خلق او، و آنچه را که او اراده کند اطاعت می کنند، و مخالفت نمی ورزند^۷ »؛ همچنین ایشان در جای دیگر دیگر می فرمایند: « خداوند متعال اجزای عالم را مانند بدن یک انسان خلق کرده که همگی به صورت یک کل واحد می باشند و هدف یکسان و واحدی دارند و به سوی آن در حرکتند؛ انحراف یکی از اجزای این مجموعه باعث اثر سوء بر دیگر اعضاء شده و در کار آنها مانند یک بیماری و ویروس خلل ایجاد

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۱؛ ص ۳۴

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۱؛ ص ۳۸

^۳ طباطبایی. محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵ ش. ج ۱۸ ص ۳۹۲

می کند؛ اعضای این مجموعه ممکن است آن انحراف و جزء خاطی را تا حدی تحمل کنند و درصدد رفع عیب برآیند ولیکن هنگامی که دیگر انحراف جزء مذکور از حد بگذرد، همگی علیه او قیام کرده و آن را معدوم می نمایند که نزول عذاب الهی از این موارد است و در طرف مقابل هنگامی که یک جزء در راستای هدف کل مجموعه حرکت کند و وظایف محوله خود را به درستی انجام دهد؛ از طرف اعضای دیگر مورد حمایت قرار می گیرد و مانند شخصی که در مسیر رودخانه شنا می کند، تمامی اعضای مجموعه به یاری او می شتابند و حرکت او در جهت نیل به مقصودش را سرعت می بخشند که این از مورد تأثیر ایمان و تقوا بر زندگی مادی و رفاه اقتصادی جوامع است؛ (طباطبایی ج ۸ ص ۱۹۵-۱۹۶)^۱ لذا افراد مومن و متقی در زندگی هرگز به بن بست نمی رسند به این معنا که در راستای رسیدن به اهداف خود همه راه ها بر روی او بسته نمی شوند و به طرق طبیعی و مادی یا غیر مادی و غیر محسوس گشایش برای آن ها حاصل می شود لذا خداوند تعالی می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ (طلاق ۳ و ۲) با دقت در مطالب گفته شده پاسخ سوال گذشته مشخص می شود و آن اینکه چگونه برخی افراد با وجود شرایط یکسان با دیگران توفیقات علمی و معنوی فوق العاده ای داشته اند در حالی که دیگران هرگز به گوشه ای از این موفقیت ها هم نرسیده اند؛ پاسخ اینکه تنها با رعایت کردن تقوا و عمل به وظایف خود نسبت به خداوند تعالی و اکتفاء نکردن به اسباب مادی و ظاهری است که اراده و مشیت الهی تعالی تعلق می گیرد به این که فرد به موفقیت های مادی و معنوی برسد؛ وقتی مشیت الهی به موفقیت فردی تعلق گرفت ذرات عالم با او هماهنگ گشته و به او در راه رسیدن به اهدافش یاری می رسانند و به تعبیر دیگر زندگی و عمرش مبارک و با برکت می شوند چنانکه در روایتی زیبا از امام حسن (علیه السلام) نقل شده است: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ»؛^۲ در طرف مقابل افرادی که برای رسیدن به اهداف مادی و معنوی خود تنها به فراهم آوردن اسباب مادی می پردازند و حدود الهی را رعایت نمی کنند و تقوا پیشه نیستند هرگز بهره حد اکثری از تلاش های خود نمی برند و توفیقات زیادی در مسیری که طی می کنند نمی یابند.

نتیجه گیری:

در پایان به این نتیجه می توان رسید که انسان برای رسیدن به کمال و موفقیت ها خلق شده است؛ اما او برای رسیدن به اهداف و موفقیت ها باید مقدمات و اسباب آن را فراهم کند؛ این مقدمات و اسباب منحصر در اسباب مادی نیستند بلکه دسته ای از اسباب، معنوی هستند که برکت نیز از جمله آن ها است؛

^۱ رک دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات قرآن و حدیث. سال دوم، شماره دوم / بهار و تابستان ۱۳۸۸ بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم

^۲ ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق. ج ۲؛ ص ۱۰۸

١٦ |

منابع و مآخذ:

۱- قرآن کریم

۲- طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ ۲۱. ۱۳۸۵ ش.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۴- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحديث) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

۵- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.

۶- منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.

۷- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.

۸- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۱۵ ق.

۹- فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.

۱۰- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.

۱۱- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر - قم، چاپ: چهارم، ۱۳۶۷ ش.

۱۲- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.

۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بیروت - دمشق، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۴- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۵- ازدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۷ ش.

۱۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ق.

- ۱۷- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ش.
- ۱۸- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات (ط - الحديثه) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۵ ق.
- ۱۹- محمد تقی .مصباح یزدی. آموزش عقائد.نشر بین الملل . قم. چاپ ۴۴ . ۱۳۸۹ش.
- ۲۰- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.
- ۲۱- محسن خرازی. بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقائد الامامیه.موسسه النشر الاسلامی. قم ۱۳۷۴ش-چاپ ۲۲.
- ۲۲-مجله تخصصی الهیات و حقوق .پاییز ۱۳۸۶. شماره ۲۵.مقاله برکت در قرآن.
- ۲۳-مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره دوم - بهار و تابستان ۱۳۸۸ مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم .
- ۲۴-مقاله برکت و بی برکتی در زندگی - ماهنامه اطلاع رسانی پژوهشی، آموزشی مبلغان ۱۳۸۷.
- ۲۵- نرم افزار جامع الاحادیث ۳/۵ مرکز کامپیو تری نور قم.
- ۲۶- نرم افزار جامع التفاسیر مرکز کامپیو تری نور قم.



توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه



صدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(برای همایش و همایش های تخصصی)



دانشگاه فرهنگیان



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش



فرهنگیان

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir **محورهای پذیرش مقالات** www.Ghanonyar.ir

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش

روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶-۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)